

۹۹ البته باید توجه داشت، قانون‌گذار اجرای ناموفق نهاد تعویق صدور حکم را مانعی برای اعمال تعلیق اجرای حکم می‌داند. به عبارت دیگر، این نهاد به‌عنوان نهاد مستقلی از تعلیق در نظر گرفته شده است، اما چنانچه فردی در دوران تعویق صدور حکم، مرتکب جرم جدیدی شود یا از اجرای دستورهای دادگاه امتناع ورزد، محکوم به مجازات می‌شود و اجرای این مجازات قابل تعلیق نیست؛ بنابراین، این دو نهاد به‌نوعی در طول هم قرار می‌گیرند. ۶۶

باشد. بدیهی است، اعمال این مقررات می‌تواند تا حدودی مانع از اجرای حبس‌های کوتاه‌مدت شود و اثر حبس‌زایی ایجادشده را با تغییر مقررات تخفیف تعدیل کند؛ اما بدیهی است با توجه به شرایط پیش‌گفته، نمی‌تواند این اثر را به‌طورکلی مرتفع سازد.

تعویق صدور حکم: این نهاد از قانون مجازات فرانسه اقتباس شده است و تفاوت آن با تعلیق اجرای مجازات در این است که در تعویق صدور حکم، با وجود احراز مجرمیت متهم، حکم محکومیت برای او صادر نمی‌شود و صدور این حکم برای مدتی معلق می‌گردد. در این مدت چنانچه متهم مرتکب جرمی نشود (در تعویق ساده) و دستورهای دادگاه را رعایت کند (در تعویق مراقبتی) دادگاه بسته به میزان پایبندی او به اجرای دستورها، گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

امتیاز این نهاد نسبت به نهاد تعلیق اجرای حکم برای مرتکب جرم آن است که در صورت عدم ارتکاب جرم و رعایت دستورهای دادگاه مشمول حکم معافیت از مجازات می‌شود، نه حکم محکومیت و بنابراین، در زمان تعویق مشمول مجازات‌های تبعی نمی‌شود؛ درحالی‌که در تعلیق اجرای مجازات، بی‌اثر شدن محرومیت‌های ناشی از محکومیت معلق، منوط به سپری شدن مدت تعلیق است. در ماده ۵۲ همچنین در تعویق صدور حکم، چون حکم محکومیت صادر نشده

است، محرومیت‌های موضوع بندهای ماده ۲۶ در مورد متهم اعمال نخواهد شد؛ درحالی‌که چنانچه فردی به مجازات‌های موضوع بندهای سه‌گانه ماده ۲۵ محکوم شود، حتی اگر اجرای کل مجازات وی معلق گردد، محرومیت‌های مذکور به‌طور دائم بر او اعمال خواهد شد. همچنین مدت زمان تعویق نسبت به تعلیق کوتاه‌تر است (۶ ماه تا ۲ سال) البته در مورد جرائم کم‌اهمیت‌تر، تعزیرات درجه ۶ تا ۸ قابل اعمال است.

بدیهی است اجرای این مقررات در کنار مقررات تعلیق اجرای مجازات می‌تواند مانع از اعمال مجازات حبس شود. البته باید توجه داشت، قانون‌گذار اجرای ناموفق نهاد تعویق صدور حکم را مانعی برای اعمال تعلیق اجرای حکم می‌داند. به عبارت دیگر، این نهاد به‌عنوان نهاد مستقلی از تعلیق در نظر گرفته شده است، اما چنانچه فردی در دوران تعویق صدور حکم، مرتکب جرم جدیدی شود یا از اجرای دستورهای دادگاه امتناع ورزد، محکوم به مجازات می‌شود و اجرای این مجازات قابل تعلیق نیست؛ بنابراین، این دو نهاد به‌نوعی در طول هم قرار می‌گیرند.

نظام نیمه آزادی: از آنجا که یکی از اهداف مجازات حبس، بازپروری محکومان است و جدایی آن‌ها از جامعه از یک‌سو مانع تحقق این هدف می‌شود و از سوی دیگر فراهم کردن امکانات آموزشی و فنی حرفه‌ای متناسب با نیازهای متنوع زندانیان امری تقریباً غیرممکن و بسیار هزینه‌بر است، نظام‌های نوین کیفری سعی کرده‌اند رژیم‌های اجرایی مختلفی را با توجه به محکومان مختلف به اجرا درآورند. یکی از این شیوه‌ها که به دنبال کاستن آسیب مجازات زندان برای محکوم، خانواده او و جامعه بوده، نظام نیمه آزادی است. در این روش، با اعمال نظارت بر محکوم به او آزادی نیمه‌وقت اعطا می‌شود. مقررات مربوط به این نهاد که از قانون مجازات فرانسه اقتباس شده، ممکن است با این ابهام روبه‌رو شود که آیا زمان اشتغال محکوم به فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی و درمان جزئی از زمانی است که فرد از آزادی محروم است و در سایر زمان‌ها فرد در کنار خانواده‌اش باقی خواهد ماند، یا اینکه اصولاً فرد در حبس است و زمان اشتغال او به فعالیت‌های مذکور جزو زمان آزادی او محسوب می‌شود، با توجه به سیاق ماده ۵۶ و عبارت

«محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس...» به نظر می‌رسد احتمال دوم موردنظر قانون‌گذار بوده است.

گفتنی است قانون‌گذار در خصوص نوجوانان بزهکار ضمانت اجرای نگهداری در پایان هفته را نیز پیش‌بینی کرده است. در این شیوه محکوم‌علیه موظف است در روزهای پایانی هر هفته برای گذراندن مجازات، خود را به مقامات کانون اصلاح و تربیت معرفی کند. ذکر دو روز آخر هفته با این فرض در قانون آمده است که نوجوان بزهکار در روزهای دیگر هفته به کار یا تحصیل مشغول است؛ پس نوجوانان بیکار و بی‌سرپناه باید در تمام روزهای هفته در کانون اقامت داشته باشند.

نظارت الکترونیکی: نظارت الکترونیکی به معنای کنترل و نظارت بر محکومان به‌وسیله ابزار الکترونیکی در خارج از زندان است، نخستین بار در سال ۱۹۸۴ قاضی «جک لاول» در نیومکزیکو برای کنترل یک مجرم به آن حکم داد. این روش در ابتدا به‌عنوان تضمینی برای رعایت قواعد حبس در خانه استفاده می‌شد، اما بعدها برای تحت کنترل قرار دادن محکومان آزادشده مشمول تعلیق و همچنین کنترل متهمان نیز استفاده شد. قانون‌گذار در ایران از این نظارت، هم به‌عنوان یک ضمانت اجرای کیفری (ماده ۶۲ قانون مجازات اسلامی) و هم به‌عنوان یکی از اقسام قرارهای تأمین و نظارت قضایی (بند «ج» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری) استفاده کرده است. فواید استفاده از این نوع نظارت کاستن از میزان حبس‌های کوتاه‌مدت و جلوگیری از بازداشت متهمان است.

در باره ماهیت این نوع ضمانت اجرا باید گفت قانون‌گذار با وضع این مقررات اجرای مجازات حبس را همان محدودسازی محکوم در محدوده مکانی و تحت نظارت قرار دادن او دانسته است؛ بنابراین، مرتکب در دادنامه صادرشده محکوم به حبس می‌شود، اما نحوه اجرای حبس، محدود شدن وی در محدوده مکانی تعریف گردد و در صورت لزوم تبعیت از تدابیر و دستورهای مذکور در تعویق مراقبتی است؛ بنابراین، با ماهیتی مستقل از تعویق، تعلیق و نظام نیمه آزادی روبه‌رو هستیم. البته باید توجه داشت قانون‌گذار تمامی احکام لازم برای به‌کارگیری این نهاد را تبیین